

حسن اسدی در گفت وگو با «ایران» از وضعیت تئاتر در روزهای جولان کرونا می گوید

همه غافلگیر شدیم

مصطفی رفعت

خبرنگار

حسن اسدی، یک هنرمند چند منظوره است؛ هنرپیشه و کارگردانی که در مدیوم های متنوعی کارهای تولید نیز انجام داده؛ حتی تدریس کرده و اینها درحالی است که او اساساً دانش آموخته موسیقی است. از او به عنوان فعال عرصه تئاتر نیز کارهایی دیده ایم؛ از جمله کارگردانی نمایش های «زیرزمین» نوشته آرش عباسی و «به فرمان من» نوشته مجید امامی. او به عنوان تهیه کننده، در دو نمایش «اورودوز» و «وامانده تهران» با حامد رحیمی نصر همکاری داشت؛ و بازیگر نمایش های «حکم» (مسعود ترابی)، «الف وارد می شود» (برکه فروتن) و «شاهباز سدره نشین» (وجیهه کریمی هسنیجه) نیز بوده است. با او درباره وضعیت تئاتر در روزهای جولان کرونا، صحبت کرده ایم.

■ این روزها چه می کنید؟

اگر شرایط قرنطینه در میان نباشد، پیشنهادهای بازیگری را بررسی می کنم؛ کما اینکه اکنون مشغول بازی در بخش های باقیمانده از حضور در مجموعه «سرجوخه» و در کنار آن، همراه دوستانی همچون مجید مشیری، رضا ایرانمنش، بابک نوری، بابک انصاری و... در تله فیلم «سامه» به عنوان بازیگر حضور دارم.

■ شرایط بازی باتوجه به شیوع کرونا سخت نیست؟

بازیگران در پروسه تولید یک اثر تلویزیونی یا سینمایی، بیش از سایر عوامل در معرض خطر ابتلا به کرونا قرار دارند؛ زیرا تنها بخشی از این گروه هستند که مدت بیشتری را بدون ماسک در جمع حضور دارند؛ درواقع، بازیگران نمی توانند حین فیلمبرداری، ماسک به چهره داشته باشند؛ مگر اینکه فیلمی به شکل ویژه و با هدفی خاص درمورد کرونا ساخته شود. حتی بعضاً پیش آمده که گرمیورها اصرار دارند بازیگر وقتی جلوی دوربین هم نرفته، از ماسک استفاده نکنند؛ زیرا

ممکن است گریم انجام شده را خراب کند. در حالات دیگر هم نگاه کنید که حین تصویربرداری از آنجا که محیط باید کاملاً بی صدا باشد، درو پنجره ها بسته می شود و نمی توان از فن یا وسیله دیگری برای تهویه استفاده کرد. گاهی بسته به لوکیشنی که کار می کنیم، با حضور افراد مختلف در آن موقعیت، فاصله ها کمتر می شود و البته که بازیگران اساساً نمی توانند در این حرفه، حین تصویربرداری، فاصله اجتماعی را رعایت کنند؛ همه اینها باعث می شود تا بگوییم بازیگرها شاید تنها عوامل حرفه ای هستند که مجبور به کار در شرایطی با ریسک بالا هستند.

■ به نظران از این نظر وضعیت تئاتر بهتر نیست؟

اتفاقاً شرایط را برای تئاتر می توان به نوعی تعدیل کرد و تئاتر این ویژگی را دارد که با رعایت پروتکل ها و انجام یک سری تمهیدات، همچنان فعال بماند. تماشاچی ها می توانند ماسک بزنند و در فواصلی معین بنشینند؛ می توان ردیف های ابتدایی را خالی گذاشت، در بعضی از سالن ها حتی امکان بازگذاشتن در وجود دارد و می توان

باید مؤلفه هایی را وارد کارها کنند که پیش تر در سینما نیز تجربه شده اند و بخشی از سینما را به انحراف کشانند؛ کلیشه هایی مانند گنجاندن سکانس های عروسی، جنس خاصی از دیالوگ ها و کمدی، مثلث عشقی، اکشن های خشونت بار و...

■ مگر تئاتر نمی تواند هنری سرگرم کننده باشد؟

می گویم باید دید مفهوم تئاتر از ابتدا تا حال چه بوده است. موافق همراهی محتوا و تکنیک هستم؛ نه اینکه فقط یکی از آنها را داشته باشیم و بخش دیگر را رها کنیم. نمی خواهم ارزش گذاری کنم؛ اما اگر بخواهیم تنها به گیشه به هر قیمتی بچسبیم، ممکن است برویم به سمت تئاتر آزاد؛ اگرچه معتقدم آن نیز لازمه اجتماع است و اتفاقاً باید از آن جنس کارها «گرا» گرفت و دید چه اتفاقی می افتد که مخاطب بالایی دارند؛ مخاطبی که گاه چندین بار به تماشای یک اجرا می نشینند. شاید بخشی از آن برمی گردد به اینکه نخواستیم تئاتر را به جنس زندگی نزدیک کنیم. همیشه گفته اند تئاتر باید محتوا داشته باشد؛ اما نه به قیمت ازدست دادن مخاطب. محتوا را می توان به شکلی درآورد که هر مخاطبی آن را درک کند. اینکه بازیگرها متونی دشوار که خودشان هم به سختی متوجهش می شوند را همراه با الفاظی دشوارتر در صحنه اجرا کنند و مخاطب از آن سر درنیاورد، مخاطب را از تئاتر دل زده خواهد کرد.

■ نخواستید در این مدت کار تئاتر انجام دهید؟

دو سال است نتوانسته ام متنی را دست بگیرم و بخشی از آن، به علت وضعیت نامناسب تئاتر در این مدت است. البته تئاتر هرگز آن پتانسیل را نداشته که بشود روی درآمدش، حساب آنچنانی باز کرد و بعضاً به نظر تعدادی از دوستان که این سال ها تنها به تئاتر پرداخته اند، عشقی جنون آمیز به آن دارند؛ وگرنه حوزه پول سازی در هنر نیست. تک توک اجراهایی هم که خوب فروخته اند، استثنا هستند. عموم افرادی که در بدنه این هنر هستند و به نوعی شغلشان است، این روزها لطمه دیده اند.

■ فکر نمی کنید که بخشی از آن به خاطر خود اهالی تئاتر بوده؛ مثلاً با پرکردن سالن تئاتر به وسیله دعوت از میهمان ها و بلیت های رایگان که تنها باعث شد به لحاظ حضور مخاطب، تئاتری بزرگ شده داشته باشیم؛ درحالی که مخاطب واقعی آن، از آنچه

به نظر می رسید، کمتر است؟

موافقم که پرکردن سالن با بلیت میهمان یا مخاطبان دعوتی، آثار سویی داشته؛ اما معضلات تئاتر ما پیچیده تر از این حرف هاست. اصلاً تئاتر را با چه هنری مقایسه می کنیم؟ با سینما؟ اگر معیار آن شود که باید گفت کلیدواژه هایی مانند «گیشه» نیز در دل آن رشد خواهند کرد؛ آن وقت فعلاًن تئاتری نیز برای حفظ گیشه و سودآوری



یکی از اتفاقات خوبی که همین دو سه ساله رقم خورده، رواج استفاده از پلتفرم های مختلف است که به نظرم جای تئاتر در آنها خالی است. حالا که به علت شرایط موجود، امکان اجراهای گسترده نیست، می توان مدیوم را تغییر داد و چه بهتر که بخشی از بار این مسئولیت را تلویزیون به دوش بکشد

فیلم است، با هزینه یک فیلم می توان چند تئاتر باکیفیت ساخت و ارائه داد؛ البته به شرطی که مانند بعضی اقدام های پیشین، این حرکت هم انحصاری بین چند نفر نشود و قضایی عادلانه برای حضور آدم های مختلف حوزه تئاتر فراهم شود. پلتفرم های آنلاین هم امکان خوبی هستند؛ اما به هر حال تلویزیون قدرت بیشتری دارد؛ چون استفاده از آن گسترده تر و راحت تر است. نقش این رسانه در ایجاد یک انقلاب تبلیغاتی را نمی توان کتمان کرد. یک محصولی که ناشناخته است، با پخش چند تبلیغ در تلویزیون، چنان پرمخاطب می شود که من و شما حتی برای رفع کنجکاوی هم که شده، سعی و اقدام در خرید آن داریم. خب می توان از این پتانسیل برای گسترش فرهنگ تئاتر استفاده کرد یا در شرایطی مانند اکنون، مانع فاصله افتادن بین مخاطب و تئاتر شد.

■ آنچه در سال های اخیر و قبل از حضور ویروس کرونا شاهدش بودید، چشم انداز خوبی از تئاتر برایتان ترسیم می کرد؟ مثلاً سالن های خصوصی و افزایش تعداد اجراها.

فکر می کنم راه افتادن سالن های خصوصی در تئاتر امری اثرگذار و مثبت بود. به هر حال، سالن های دولتی یا مجموعه ای مانند تئاتر شهر این فرصت را در اختیار جوان ها نمی گذاشت و اگر هم می شد، باید گروه ها مدت ها منتظر می ماندند؛ همین حالا هم اجرا در این سالن ها آرزوی جوانان تئاتری است. افتتاح سالن های خصوصی دست کم این انگیزه را بین جوانان و تازه واردان تئاتر بیشتر کرد تا بتوانند کسب تجربه کنند و خود را محک بزنند و حرفه ای شوند. بعضی از اقدامات مانند تولید تئاترهای بیگ پروداکشن هم مفید بود و گذشته از حواشی ایجاد شده، بسیار خوب بود که روی صحنه، اجرایی عظیم با امکانات خاص ببینیم؛ آن نیز شکلی از تئاتر است که باید باشد. نمی توان تنها به «تئاتر بی چیز» اکتفا کرد. جذابیت هر کدام سر جایش است. معتقدم بین آن گونه نمایش ها یا بودجه کلان و تئاترهای اصطلاحاً بلک باکسی که با حداقل امان ها به عنوان دکور اجرا می روند، جنسی از تئاتر نیز هست که می تواند مخاطب گسترده تری را جذب کند؛ نمونه آنها را در سال های اخیر بسیار دیده ایم که اتفاقاً تعدادی از آنها واقعاً خوب و قابل احترام بودند. آنها همانی هستند که من به آنها نمایش هایی از جنس زندگی می گویم؛ کارهایی که ادعای ایجاد تفکر ندارند. حاوی پیام هستند؛ اما قصد ندارند که با خلق فضایی درک نشدنی، مخاطب را سردرگم کنند. معتقدم تئاتر داشت روزهای خوبی را سپری می کرد و رویه راه می شد؛ اما کرونا در لحظه ای که نباید، آمد و همه را غافلگیر کرد.

محلی برای ارائه انتقادهای حوزه های مختلف است و در تغییر فرهنگ جامعه نقش دارد. تئاتر می تواند با هر سن و قشری ارتباط برقرار کند؛ حتی با مسئولان؛ و انتقال دهنده حرف و خواست مردم باشد یا بستر ساز یک حرکت مثبت اجتماعی. به خاطر همین، باید از آن حمایت شود و حالا که کرونا باعث مشکلات بیشتری در این حوزه شده، این حمایت باید پررنگ تر و متناسب باشد.

■ اگر شما تصمیم گیرنده بودید، برای وضعیت فعلی که کرونا موج سواری می کند، برای ادامه حیات تئاتر چه می کردید؟

یکی از اتفاقات خوبی که همین دو سه ساله رقم خورده، رواج استفاده از پلتفرم های مختلف است که به نظرم جای تئاتر در آنها خالی است. حالا که به علت شرایط موجود، امکان اجراهای گسترده نیست، می توان مدیوم را تغییر داد و چه بهتر که بخشی از بار این مسئولیت را تلویزیون بدهوش بکشد. این رسانه یک زمانی حتی با تولید تله تئاترها باعث آشنی مخاطبان با مقوله تئاتر شد؛ طی دوره ای که در بسمت تولید در تلویزیون فعال بودم، کارهای بسیار خوبی هم ساخته و پخش شد. تجربه آن کارها به من نشان داد که چون هزینه های تولید تئاتر بسیار کمتر از

نشسته، چیزی متوجه نشود، نمی توان از او انتظار داشت که دوباره و دوباره به سالن نمایش بیاید.

■ شما هم معتقدید که در این شرایط باید از مسئولان رده بالا حمایت های بیشتری صورت می گرفت؟

یکی از رفتارهایی که به نظرم بر بدتر شدن وضعیت تئاتر در این ایام اثر گذاشت، بسته شدن سالن ها در دوره های قرنطینه بود؛ درحالی که در جاهایی مانند مترو، افراد از دحام بیشتری داشتند. خب وقتی قرار بر این می شود که حالا به جهت ممانعت از گسترش بیشتر، سالن ها بسته شوند، باید برای حمایت از قشر فعال در تئاتر چاره ای اندیشید. به نظرم تئاتر همیشه به حمایت نیاز دارد و شیوع کرونا این نیاز را بیشتر نشان داده. تئاتر، فضایی مقدس دارد و بسیاری از پیشکسوتان بنده، این ورود به صحنه، سن را می بوسند. این حس حتی در بعضی از جوان ها نیز وجود دارد. افرادی که در حوزه تئاتر هستند که اگر انرژی و سرمایه شان را در محیط دیگری هزینه می کردند، به لحاظ مالی موفق تر می شدند؛ اما در تئاتر مانده اند؛ چون عشقشان این هنر است. تئاتر در سال های اخیر با ورود یک سری فناوری ها شکل متفاوتی هم پیدا کرد که می توانست آن را محبوب تر کند. تئاتر،

کرونا و کوچ اجباری تئاتری ها به سوی فیلم کوتاه

۲

عقیل بهرامی
بازیگر تئاتر و سینما و کارگردان تئاتر

تئاتر

در حال حاضر وقتی از تئاتر صحبت می کنم، انگار یک آلبوم خاطرات قدیمی را ورق می زنم. باینکه آخرین بار که روی صحنه بودم، بهمن ماه ۹۸ و جشنواره تئاتر فجر بود. آن موقع هنوز کرونا پشت مرزهای ایران بود و ما سرخوشانه در حال اجرای یک نمایش کمدی، اجتماعی بودیم و فکرمان این بو دکه تماشاچیان بیش از ظرفیت را گجای سالن بنشانیم که هم شرمنده آنها نشویم و هم بتوانیم صحنه نمایش را حفظ کنیم تا میزانشن ها به هم نخورد، البته از حق نگذریم، همان موقع هم اوضاع همه نمایش ها اینگونه نبود و نمایش ها کم و بیش می فروختند.

بالاخره کرونا بدون پاسپورت وارد کشورمان شد و تئاتر و تئاتری ها را به خاک سیاه نشاند. عزیزان همکارم که شغل دیگری جز حرفه هنری تئاتر نداشتند، به شدت درگیر شدند؛ از بسته بودن سالن ها تا ترس از جمع شدن در پلاتو و سالن نمایش. در همین شرایط چندین بار به من پیشنهاد شد، اما دروغ چرا؟ شرایط را اصلاً مناسب برای کار تئاتر نمی بینم. هزینه ها هم بسیار بالا رفته و ریسک بالایی دارد. جمع کردن گروه، تمرین و اجراء، از هزینه های مالی تولید گرفته تا هزینه های جانی اعضای گروه در پلاتوها.

یکسری از عزیزان تئاتر را محیطی کردند، یکسری سالن ها را یکی در میان کردند و... اما خودمان را گول نزنیم؛ بازیگران به مدت ۱۵ یا ۳۰ شب با هم دیالوگ دارند، جمعیت یکجا جمع می شوند و عکس های یادگاری می گیرند! البته این را هم در نظر بگیریم که پس «او» چه کار کند؟ مگر کسی که در بازار کار می کند، در جمعیت و تماشاچیان باید به این نکته توجه داشت که به دلایل مختلف در روزگار قبل از کرونا یعنی شش ماه دوم سال ۹۸ رفته رفته با استقبال بیشتر و افزایش مخاطب نمایش ها و پیرو آن، با افزایش تولید نمایش ها مواجه بودیم که این از تمام جهت ها به نفع تئاتر بود؛ اما حالا، حتی پس از تمام شدن همه گیری، مدت ها طول می کشد که شرایط تولید و البته مخاطب به حالت قبل برگردد و این، شبیه «از صفر شروع کردن» است.



تئاتر

سجاد داغستانی
نویسنده، کارگردان و بازیگر تئاتر

کرونا تئاتر را مجبور به «از صفر شروع کردن» می کند؛ این پیش بینی من است. حدس و گمان من که همه گیری این بیماری مهلک و بعد از قرنطینه مصادف با اولویت بندی بوده، هست و خواهد بود. اولییتی که با جان انسان است، نه هنر. از این رو، در ابتدای پیدایش ویروس کرونا، مثل خیلی از هنرمندان دیگر تصمیم به انجام ندادن کار فتم. به اجرا نبردن نمایش روی صحنه و خانه نشینی تا پایان روزگار سیاه؛ اما این همه گیری و قرنطینه بیش از آن مقدار که من و هم کیشان تئاتری من فکر می کردیم، طول کشید و ما را به ناچار به سمت فعالیت و تولید برد. خلقی که در تجربه شخصی من در یک بازتولید اثر نمایشی و به روی صحنه بردن آن در همین دوران به نتیجه رسید و در کمال ناباوری با استقبال بی نظیر مخاطبان هم روبه رو شد اما...

تأثیر کرونا بر تئاتر دقیقاً به همین اما! ربط دارد. تصور کنید تماشاگر سالن شما در بیشترین شرایط ممکن فقط می تواند نصف روزگار گذشته باشد. تصور کنید شما به عنوان بازیگر به دلیل داشتن ماسک بر صورت تماشاگر، فقط چشم های او را دارید و بس. چشم هایی که نگران هستند و با شما تمام و کمال همراه نمی شوند. این عدم همراهی کامل را من این گونه توصیف می کنم که انگار تماشاگر، تمام خود را به سالن نمی آورد و بخشی از خود را در خانه جا می گذارد. بخشی از ذهن و روح خود که با امنیت خاطر او برای حضور در سالن در ارتباط است و باعث می شود او هیچ گاه لذت کاملی از دیدن ارائه شما نبرده و به حال خوبی دست پیدا نکند. در نهایت، حال خوبی هم به دیگر تماشاچیان و گروه اجرایی منتقل نمی شود.

موضوع بعد، تأثیر کرونا بر خود تئاتری هاست. تئاتری هایی که به چند دسته تقسیم می شوند؛ جوان ها و تازه کارهایی که در این دو سال اجرایی را به روی صحنه نبرده اند و در بهترین شرایط تا یک سال آینده نیز کاری نخواهند کرد؛ که این دسته نه همین چند سال را از مسیر جا می مانند که چندین برابر این عقب ماندن شامل حال آن ها می شود؛ چرا که دسته دوم که قدیمی ترها و حرفه ای ترهای این مسیر هستند، پس از پایان همه گیری تصمیم دارند همگی نمایش های خود را به روی صحنه ببرند و این باعث می شود نوبت به دیگران